
تحلیل نظریه استثمار زیست جهان، هابرماس در شکل گیری آلودگی اطلاعات

حسین نورانی کوتنائی^۱، نجلا حریری^۲، داریوش مطلبی^۳ و فهیمه باب الحوائجی^۴

چکیده

با تأمل در نظریه استثمار زیست جهان یورگن هابرماس می‌توان نقش و تأثیر قدرت بر روند جریان آزاد اطلاعات و امکان تغییر زیست جهان دانش و شکل‌گیری رابطه سلطه‌پذیر و سلطه‌گر را دریافت. هدف این پژوهش تحلیل زیست جهان دانش و تأثیر استثمار زیست جهان دانش در ایجاد آلودگی اطلاعات بود، رویکرد این پژوهش کیفی و روش آن نظریه زمینه‌ای بوده است، شرکت‌کنندگان در پژوهش ۲۰ نفر از اعضای هیأت علمی و متخصصان علوم اجتماعی و علم اطلاعات و دانش‌شناسی بودند که مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس سه روش کدگذاری، شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد. نظریه‌پردازی زمینه‌ای با استفاده از نرم افزار تحلیل‌های داده‌های کیفی MAXQDA ۱۰ انجام شد.

یافته‌های پژوهش نشانگر آن است: مقوله قدرت (ثروت، حکومت، مذهب) با حذف، دستکاری و مانع‌تراشی در جریان آزاد اطلاعات و با تحریف، تخریب و دستکاری اطلاعات و همچنین با وابسته کردن نهادهای اطلاع‌رسانی در پی اثرگذاری بر تولید دانش و روند پژوهش است تا با اسطوره‌سازی واقن‌گری شهروندان موجب آن شود که استثمار زیست جهان به واقعیت تبدیل شود، در هزاره سوم، سانسور هوشمندانه به شکل پنهانی با بهره گرفتن از فن‌آوری‌های نوین به شکل هوشمندانه با جعل، تحریف و تکرار بسآمد یک پیام عملاً موجب محدودیت در بازیابی و اشاعه اطلاعات و در نتیجه، مخدوش کردن مدیریت دانش و در نهایت نشر اطلاعات آلوده می‌گردد، با اطلاع‌رسانی هدایت‌شده توسط قدرت‌های تمامیت‌خواه، مراکز اطلاع‌رسانی از ماهیت وجودی خود دور می‌شوند و با فراگیری این اطلاعات آلوده و سوگیرانه، شاهد شکل‌گیری پدیده توهم دانایی در جامعه خواهیم بود.

واژگان کلیدی: استثمار زیست جهان؛ زیست جهان؛ هابرماس؛ آلودگی اطلاعات

^۱ دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
noraniho@yahoo.com

^۲ استاد دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
nadjarahiri@gmail.com (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

^۴ دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مقدمه

فلسفه وجودی مراکز اشاعه اطلاعات و دانش مانند کتابخانه ها، مراکز اطلاع رسانی و رسانه های عمومی با سلامت اطلاعات و اشاعه اطلاعات درست و معتبر است پیوند خورده است و با آلودگی اطلاعات و دانش سوگیرانه سرستیز دارند، از آنجاییکه اطلاعات منبع قدرت محسوب می شود «قدرت توتالیتر» قدرت نسبت به مراکز تولید، نشر و اشاعه اطلاعات حساس می گردد و رویکرد تحریف و سوگیری اطلاعات را پیشه خویش قرار می دهد و این در تقابل با ماهیت و عملکرد کتابخانه ها، مراکز اطلاع رسانی و رسانه های عمومی است.

تامل در قوانین رانگانانان نشانگر نوعی مخالفت با پدیده سانسور و آلودگی اطلاعات است؛ چرا که برای رسیدن تمام و کمال به هدف «هرخواندی کتابش» و «هر کتابی خواننده اش» نیازمند به بستری هستیم که با رفع موانع جریان آزاد اطلاعات، امکان «اشاعه اطلاعات درست و معتبر» وجود داشته باشد.

قدرت آگاه (ثروت، حکومت، مذهب) می تواند بسترساز پژوهش حقیقی و قدرت توتالیتر به سبب روحیه تمامیت خواهانه اش می تواند ویرانگر و منحرف کننده دانش باشد (عبدالکریمی، ۱۳۹۳)، «قدرت توتالیتر» در علم یا نا علم بودن و ارزش گذاری به اطلاعات تعیین کننده است و می تواند در قرن حاضر که به عصر اطلاعات مشهور است، با کمک سانسور هوشمندانه در بستر انفجار اطلاعات (سونامی اطلاعات) با تولید تولید دروغ و شایعه یعنی اطلاع دهی و ارسای نشده، موجب افزایش آلودگی اطلاعات و به تبع آن کاهش سلامت اطلاعات گردد (آلپورت و پستمن^۱، ۱۹۴۷).

انفجار اطلاعات برآمده از انبوهی و تنوع اطلاعات و آلودگی اطلاعات هم بازتاب تنوع شیوه های جعل، تحریف و تفسیرپذیری و تغییر اطلاعات است، شناخت نوع رابطه قدرت با دانش از اهمیت فراوانی برخوردار است اینکه نوع رابطه قدرت و دانش اگر منفی (ویرانگر) یا ایجابی (سازنده) باشد به تبع خود می تواند رویکرد و ماهیت: ذخیره اطلاعات، سازماندهی، اشاعه، بازیابی اطلاعات و مدیریت دانش را دگرگون سازد.

از آنجاییکه آلودگی اطلاعات نسبت عکس با سلامت اطلاعات دارد و اطلاعات هم مصون از آلودگی، تحریف و جعل نیست، مراکز کتابخانه ای و اطلاع رسانی باید نسبت به سلامت اطلاعات

^۱ Alport and Postman

و فقدان آلودگی اطلاعات و نیز نقش ایجابی و سازنده قدرت مطمئن شوند، چراکه نقش آفرینی این مراکز در پیوند با اطلاعاتی است که از تحریف و سوگیری مصون باشند، از این منظر لازم است، وجوه مختلف مدیریت پنهان دانش را در سطح کلان مورد کنکاش قرار دهیم تا با زمینه سازی برای کاهش سوگیری قدرت، زمینه برای دستیابی به «اشاعه اطلاعات درست و معتبر» از راه کاهش آلودگی اطلاعات و افزایش سلامت اطلاعات درپرتو رهایی از سیطره قدرت در روند اشاعه اطلاعات و نیل به علم‌رهایی بخش ممکن گردد.

بیان مسئله

آرای بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی و ارتباطات خاصه مکتب فرانکفورت، گویای نقش دخالت‌گرانه قدرت نسبت به دانش است، در نظریه «استثمار زیست جهان»^۱؛ یورگن هابرماس^۲ (۱۹۲۹) به وضوح دو به عنصر مهم: عامل «سلطه‌گر» مانند قدرت و معلول «سلطه‌پذیر» مانند نهادها و مراکز فرهنگی و اجتماعی برمی‌خوریم،

وجود رابطه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در نهادها و مراکز اطلاع‌رسانی نشانگر حساسیت و تاثیرگذاری مقوله قدرت نسبت به: آموزش؛ خلق، ذخیره، مبادله و انتقال دانش؛ استراتژی دانش و زیرساخت دانش برای نیل به مدیریت کلان دانشی است که مصون از آلودگی اطلاعات نیست، هر عاملی که موجب انحراف، تحریف و تغییر عناصر دانش (داده و اطلاعات) گردد، در خدمت تبیین امکان استثمار زیست جهان حوزه‌های دانشی است.

تاریخ کتابخانه سوزی و نویسنده سوزی و در عصر حاضر ماجرای فرارو پناهندگی جولین آسانژ^۳ (مدیر سایت افشاگرانه ویکی‌لیکس) و ادوارد جوزف اسنودن^۴ کارمند FBI در کنار اقدام به کتابسوزی و کتابخانه سوزی توسط گروه داعش و گروه بوکوحرام^۵ نشانگر آن است که همچنان نسبت به اطلاعات، جریان آزاد اطلاعات، اعمال مدیریت پنهان و ممیزی اطلاعات در حکومتها و نیروهای سیاسی اقتدارگرا حساسیت وجود دارد. می‌تواند ما را به تامل در امکان تغییر «زیست

^۱ The exploitation of life-world

^۲ Jurgen Haberma

^۳ Julian Paul Assange

^۴ Edward Joseph Snowden

^۵ بوکوحرام یک گروه جهادی در شمال نیجریه و در زبان هوسه به معنای تحصیل غربی حرام است

جهان دانش» و به تبع آن شکل گیری «مدیریت کلان دانش سوگیرانه» از آغاز (تولید دانش) تا پایان (توزیع) رهنمون سازد، ازسویی پذیرش استثمار زیست جهان دانش یادآور نقش آشکار و پنهان قدرت در فرایند اطلاع رسانی و نیز تأثیرات بر علم و دانش خواهد بود این تأثیرات دربرگیرنده موضوع تحقیق، چگونگی مطالعه، نتایج تحقیق و حتی رعایت اخلاق پژوهش هم می شود (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۵۲).

قدرت به سبب تمایلش به کنترل افکار و تنظیم رفتار افراد، نسبت به دانش و مدیریت کلان دانش توجه دارد که این خود گویای اهمیت و نقش اطلاعات در امر انتخاب‌گری و تصمیم سازی است، مقوله قدرت از یک طرف با تأثیر بر شرایط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موجب تغییر انگیزه های اطلاع جویی و از سوی دیگر، با تأثیرگذاری بر نظام آموزشی، نوع منابع آموزشی و نیز نظام پژوهش در نهایت بر فرآیند اطلاع یابی تأثیر خواهد گذاشت (براتی علویچه، ۱۳۸۳).

مقوله قدرت (سیاست- سرمایه- دین) برانگیزاننده، تسهیل کننده، دشوارساز، محدودیت ساز و منع و نهی کننده است، می تواند هم فرآیند ممیزی اطلاعات را و هم مسیر مدیریت دانش را به سمت منویات قدرت چرخش دهد و موجب اشاعه اطلاعات آلوده مورد دلخواه خود گردد (هیل، ۱۳۸۱).

اهمیت این پژوهش در شناخت انواع مدیریت کلان دانش است که به شکل آشکار و غیر آشکار توسط حکومتها در مراکز اطلاع رسانی اعمال می شود و می تواند آثار زیانباری مانند: آلودگی اطلاعات، ممیزی سوگیرانه اطلاعات، استثمار زیست جهان دانش و استثمار زیست مراکز اطلاع رسانی را موجب گردد، ضرورت این پژوهش شناخت و کشف، نقش قدرت در فرایند اطلاع یابی، تحریف اطلاعات و امکان دور شدن کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی از ماهیت آگاهی بخشی است.

هدف و سؤالات

هدف کلی از انجام این پژوهش تحلیل نظریه استثمار زیست جهان هابرماس در شکل گیری آلودگی اطلاعات است.

۱. استثمار زیست جهان دانش چگونه شکل می گیرد؟

۲. استثمار زیست جهان دانش چه نقشی در آلودگی اطلاعات دارد؟

رابطه قدرت بر دانش در آرای از هوسرل، فوکو و هابرماس

ادموند هوسرل^۱ اولین کسی بود رابطه قدرت بر دانش را رابطه‌ای سلطه‌گرایانه مطرح نمود و علم حاصل این ارتباط را علم بحران زده تعریف نمود، از نظر هوسرل علم در عصر حاضر دچار بحران شده و به بیراهه رفته است، وی کاهش دغدغه دانشمندان به بعضی موضوعات و نیز کاهش نقش آفرینی علم در زندگی روزمره، نشانه‌ای از این معنا‌باختگی علم می‌باشد (سیاوشی، ۱۳۹۲) در این راستا میشل فوکو^۲ (۱۹۸۴-۱۹۲۶) بر پیوستگی قدرت-دانش با این عبارت «هیچ دانشی بیرون از قدرت وجود ندارد و هر قدرتی هم تافته‌ای از دانش را به همراه دارد»، تاکید داشت (خالقی، ۱۳۸۲).

«سانسور» میوه و نتیجه رابطه‌ای سلطه‌گرایانه قدرت بر دانش می‌باشد؛ سانسور یادآور نوعی محدودیت در دسترسی به منابع اطلاعاتی در اشکال گوناگون و در جوامع مختلف و مترادف «تفتیش عقاید» و «تفتیش افکار» است، واژه «ممیزی» دربرگیرنده سیاست تحدید بیان افکار و عقاید و نشر و جریان آزاد اطلاعات است. هابرماس راه‌گریز از استثمار و رهایی از سلطه رسانه و مراکز اطلاع‌رسانی را در استفاده از عقل رهایی بخش می‌داند (جعفرزاده، ۱۳۹۵).

یورگن هابرماس از متفکران برجسته علوم اجتماعی و فلسفه و از نظریه پردازان انتقادی پسامارکسیست، هم‌نظر با هوسرل «نظریه استثمار زیست جهان» را مطرح نمود که به تعامل استثماراری قدرت با فرهنگ در چارچوب سلطه‌پذیر و سلطه‌گر اشاره داشت؛ از نظر هابرماس، نظام اجتماعی (اقتصاد، سیاست) در کنش با جهان زیست (فرهنگ، شخصیت، دانش) قادر است گاه هویت و معنا را از جهان زیست بستاند و آن را به سلطه خود درآورد. از نظر هابرماس، نظام‌های اجتماعی، ایدئولوژیک و سیاسی قابلیت آن را دارند که زیست جهان قوم، خانواده یا فردی را تغییر داده و مستعمره خود قرار دهند، از این رو امکان تغییر زیست جهان مراکز تولید و اشاعه اطلاعات توسط قدرت به شکل محسوس یا نامحسوس را نباید دور از ذهن دانست، مطابق با آرای هابرماس نیازمند به خوانش نوینی از دموکراسی هستیم تا نوع انسان را از سلطه عقلانیت ابزاری و قفس آهنین سرمایه‌داری معاصر رها سازیم (حاجی‌زاده، ۱۳۸۸)؛ از نظر هابرماس رسانه‌ها هم در طیف کلی عامل سلطه فرهنگی و به عبارت دیگر استثمار زیست جهان

^۱ Edmund Husserl

^۲ Michel Foucault

هستند (نوذری، ۱۳۸۱)، قدرت و ثروت در قالب‌ها و عناوین مختلف در نظام علیه زیست جهان از نظر هابرماس دخیل هستند، بازسازی و تحلیل رفتن زیست جهان به واسطه قدرت و نظام اقتصادی حاکم باعث استعمار آن می‌شود. نظام اقتصادی سرمایه داری و فرهنگ نمادین حاکم نظام را به سمت و سوی استثمار زیست جهان پیش می‌برد، در چنین نظامی، اذهان فعال و خلاق تبدیل به آلت دست و موجودیت‌های وابسته می‌شوند (بشریه، ۱۳۷۶). استقلال زیست جهان مستلزم تعامل نظام با آن و نه تقابل آن است. در غیر این صورت، انحراف زیست جهان و استیلای فرهنگی نظام حاکم کاملاً عینی و عملی می‌شود.

مبانی نظری

مبانی نظری و پیشینه مرتبط با این پژوهش شامل دو بخش: ۱. مبانی و پیشینه‌هایی که ناظر بر رابطه قدرت و دانش است مانند: الف. ماهیت سانسور، ب. ابزارهای قدرت برای سانسور، ج. انواع سانسور: تکفیر (سانسور دینی)؛ طبقه‌بندی علوم (سانسور پنهان) ب. مطالعاتی که ناظر بر موضوع اطلاع‌جویان (مصرف‌کنندگان سانسور) است. در بررسی پژوهش‌های که انجام پذیرفت، علاوه بر نقش قدرت در بستر سازی علم و اطلاعات، گویای نقش ویرانگر و منحرف‌کننده قدرت در فرایند تولید، نشر و اشاعه اطلاعات در طول تاریخ نیز است؛ نوروزی (۱۳۸۱) به ارتباط تنگاتنگی بین مقوله انفجار اطلاعات و آلودگی اطلاعات نظر داشت و باقری ایلخچی (۱۳۸۲) معتقد به رابطه بین معرفت‌شناسی، ایدئولوژی و اندیشه سیاسی بود، بلند اختر نشتیفانی (۱۳۸۳) در تحقیق‌اش بیان داشت حکومت سلجوقی قرائت رسمی از دین علم و تفکر رواج می‌داد تا منافع قدرت تامین گردد، لالمی (۱۳۸۸) در پژوهش خود نیل به روزنامه‌نگاری تحقیقی در ایران را منوط به رفع موانع مانند: فضای بسته سیاسی، فقدان امنیت شغلی روزنامه‌نگاران بیان داشت. بهروزی (۱۳۹۰) در پژوهش‌اش بیان داشت، حق دسترسی آزاد به اطلاعات نیازمند ساز و کاری است که براساس آن شهروندان بتوانند به اطلاعات موجود در موسسات عمومی دسترسی داشته باشند؛ هادیزاده (۱۳۹۰) بیان داشته مسلمانان در مواقعی دست به کتاب‌سوزی، کتابخانه سوزی زده‌اند، اسماعیلی (۱۳۹۰) هم در پژوهش به موضوع زوال دانش و علوم عقلی پس از تسلط بیگانگان ترک و مغول در دوره میانه اشاره داشت، حیدری (۱۳۹۱) هم در پژوهش‌اش

بیان داشت در دوره صفویه به سبب جهت گیری مذهبی تنها دانش با گرایش مذهبی فرصت رشد داشت.

مبارک (۱۳۹۱) هم نقش حکومت آل بویه رشد و گسترش دانش شیعه و به بررسی وضعیت علما و دانشمندان را در این دوره تاریخی واکاوی نمود، بهزادی (۱۳۹۱) در پژوهشی بیان داشت که باورهای معرفت شناختی بر عوامل انسانی دخیل در امر بازیابی اطلاعات تاثیر می-گذارند.

آزادبخت (۱۳۹۵) در پژوهش خود بیان داشت رشد و انحطاط علوم تابع نگاه حکومت به علم است هاشمی (۱۳۹۵) در دوران خوارزمشاهیان بازار علم و علوم عقلی نسبت به نقلی به سبب پیشرفت بیشتری داشته است، قطبی (۱۳۹۶) در حکومت‌های توتالیتر شکل دادن به اذهان نسل آینده می گیرد، باقری توفیقی (۱۳۹۶) در ایران عصر سلجوقی علمی که از پشتوانه مذهبی و سیاسی برخوردار بودند، از نهادهای آموزشی و قشرهای اجتماعی فعال و اثرگذار در سطح جامعه و حکومت برخوردار بودند، آرنولد (۱۹۷۳) نشان داد که سانسور بر تغییر نگرش مخاطبان تاثیر دارد؛ راوتز (۱۹۸۷) در تحقیق خود نخستین بار «جهل مبتنی بر علم» را مطرح نمود، وی جزمیت و قالبی اندیشیدن موضوعات به واسطه گفتمان علم را نوعی جهل می داند که الظاهر مبتنی بر پایه های علمی است؛ هنیگ (۲۰۱۵) نشان داد جهل از عملکرد آشکار و پنهان، نهادهای اجتماعی و روابط و کنش های اجتماعی متاثر است؛ ایوانز و سیلگلد (۲۰۱۵) نشان دادند که سانسور شامل سرکوب ارتباطات است که ممکن است با ارزش و یا مضر باشد وی انواع سانسور را شامل: فردی یا گروهی و به دلایل تاریخی، مذهبی، سیاسی، نظامی معرفی نمود.

روش شناسی

در این پژوهش از روش گرند تئوری (نظریه مبنایی) استفاده شده است، جمع آوری و تحلیل داده‌ها همزمان انجام و داده‌ها به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق روش استراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۸) تحلیل گردید، کدگذاری داده‌ها طی دو مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی صورت گرفت.

^۱ Strauss & Corbin

جامعه آماری این پژوهش بیست نفر از اعضای هیأت علمی و متخصصان علوم اجتماعی و علم اطلاعات و دانش‌شناسی که حداقل ۵ سال سابقه تدریس در دانشگاه و در زمینه مدیریت دانش فعالیت پژوهشی داشتند، از آنجاکه شناسایی و دسترسی به مصاحبه شونده‌گان واجد شرایط مشکل بود، از هرکس که با او مصاحبه شد، خواسته می‌شد، شخص واجد شرایط دیگری را معرفی کند، شیوه‌ای که به آن نمونه‌گیری گلوله برفی می‌گویند؛ مصاحبه‌ها آنقدر ادامه یافت که اطلاعات جمع‌آوری شده از مصاحبه‌های جدید نکته تازه‌ای را بر ملا نکرد و اطلاعات جدیدی به دست نیامد.

تغییر فرایند دانش و مدیریت دانش سوگیرانه

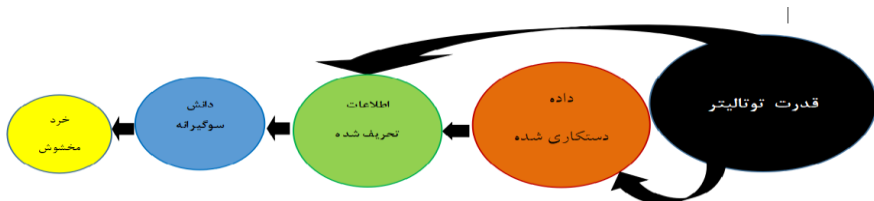
مدیریت دانش با حضور دانش ممکن است و دانش هم برآمده از فرایندی است که از داده شروع و به خرد منتهی می‌گردد؛ از این رو هرگونه تغییر در این فرایند دانشی؛ موجب ایجاد مدیریت دانش تحریف شده یا سوگیرانه می‌شود؛ در فرایند دانش : داده اطلاعات، دانش و خرد اموری در هم تنیده و وابسته به هم هستند، داده در حالت کلی : ماده اولیه و خام اطلاعات است که هنوز در بستری معین شکل و معنا نیافته است (داورپناه و آرمیده ۱۳۹۱). می‌توان چنین گفت که داده‌ها فقره‌های یا پاره‌های اطلاعاتی بی معنا و بی سامانی هستند که به واسطه نظامی اطلاع‌رسانی سامان‌دهی و پردازش شده و در نهایت به اطلاعات تبدیل می‌شود. پس، وقتی داده‌ها تحت نظام اطلاع‌رسانی معینی قرار گرفته و پردازش شوند، اطلاعات شکل می‌گیرد (داورپناه و آرمیده ۱۳۹۱)، اطلاعات عنصری معنادار و زمینه وابسته است، اینجا دیگر معنا و زمینه به داده‌های اولیه جهت داده و اطلاعات را در بر می‌گیرند همین معناسازی و ایجادزمینه به واسطه پردازش و نظام پردازش کننده به نوعی زمینه وابستگی اطلاعات را فراهم می‌کند.

اینکه داده‌های فارق از معنا زمینه چگونه پردازش شده و سازمان‌دهی آنها به چه نحوی انجام شده است، در بسترهای مختلف متفاوت است و همین تفاوتها عامل شکل دادن به اطلاعاتی خاص، از داده‌های یکسان است، این ابتدای ماجرا است چرا که دانش را اطلاعات ویژه‌ای می‌دانند که در ذهن انسان نهادینه و باورپذیر شده است و اصل و مبنای تصمیمات فعالیت‌های اوست (داورپناه و آرمیده ۱۳۹۱).

انسان این دانش را از اطلاعات عینی و ذهنی، تجربیات دیروز و امروز و القائات درون و برون گرفته است. دانش ورای اطلاعات است و ساختاری اقتناعی دارد که بیشتر از اطلاعات در زندگی و اعمال رفتار انسان حاکمیت دارد. همین حاکمیت دانش در تمامی امور و رشته های زندگی آدمی، اصل و منشأ اخذ دانش را که اطلاعات است پر اهمیت جلوه می دهد. اگر اطلاعات که منشأ یا لاقبل بخشی از منشأ دانش است، اطلاعات درست، قطعی و منطقی نباشد یا بخشی از دانش آدمی از اطلاعاتی ناقص، آلوده و دستکاری شده برگرفته شده باشد، این دانش واقعی نیست و تلقیاتی غلطی با خود به همراه دارد.

از میان چهارعنصر داده اطلاعات، دانش و خرد، بالاترین و انتزاعی ترین خرد است که خود مستلزم پیش زمینه های فراوان است (داورپناه و آرمیده ۱۳۹۱)، اما آنچه مهم است، توجه به نقش دانش در شکل گیری خرد است. خرد راه زندگی را می نماید و دانش اساس خرد و حکمت را پی می ریزد؛ براین اساس، دانش ناقص یا تحریف شده عامل زایش خرد بی خردی یا حکمت بی حکمت است، آن خردی کامل است که ماحصل دانش حقیقی باشد و آن دانشی کامل است که فرآورده اطلاعات واقعی باشد و آن اطلاعاتی کامل است که داده هایی کامل و همساز آن را شکل داده باشند.

این چند نکته ضمن نشان دادن درهم تنیدگی داده، اطلاعات، دانش و خرد، نشان می دهد که نقص در یکی از این عناصر یا اخلال در حین ایجاد شدن یکی از آنها و دیگری اثری سو می گذارد چنین است که دانشی ناقص شکل می گیرد و حاصل آن خردی نه به معنای خرد واقعی می شود. یکی از عواملی که بر داده، اطلاعات، دانش و در پی آن خرد اثر می گذارد ((قدرت)) از تمامی انواع آن است. مصاحبه شوندهگان در پژوهش حاضر به نقش عمدتاً سوگیرانه و جهت یافته قدرت در پردازش اطلاعات و توزیع و نشر دانش اذعان داشتند. البته نقش مخرب قدرت در شکل گیری دانش غیرواقعی یا ناقص، با تأثیر بر زیست جهان دانش امری قابل پذیرش است.



مدل ۱: نقش قدرت توتالیتر در ایجاد خرد مخشوش (منبع: نگارنده)

یافته های پژوهشی

برای پاسخگویی به سؤالات این پژوهش، ابتدا مصاحبه های ضبط شده روی کاغذ ثبت و بازخوانی شد. سپس، کلمات کلیدی از هر مصاحبه استخراج و مراحل کدگذاری های سه گانه باز، محوری و انتخابی انجام می پذیرفت تا به سؤالات پژوهش پاسخ داده شود. برای هر مصاحبه شونده کدی با یک حرف «م» و شماره وی در نظر گرفته شده است.

چگونگی شکل گیری استعمار زیست جهان دانش

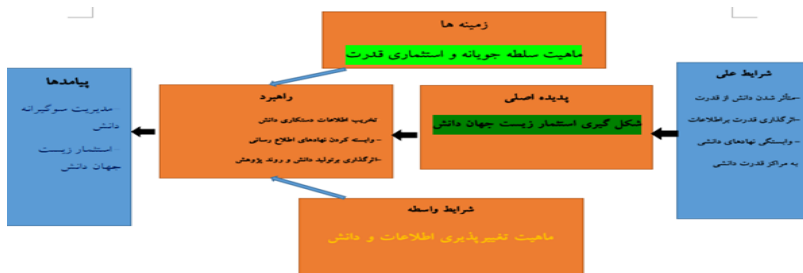
در پاسخ به سؤالی در باب چگونگی شکل گیری استعمار زیست جهان دانش، عوامل مختلفی در حکم شکل دهنده های این نوع زیست جهان مطرح شد که از مهم ترین آنها می توان به تداوم قدرت و حاکم شدن بیش از پیش قدرت به واسطه تغییر، در اطلاعات و دانش، تأثیرپذیری اطلاعات و دانش از قدرت به سبب انعطاف پذیری اطلاعات و دانش و تجمیع اطلاعات و دانش در مراکز اطلاع رسانی و مدیریتی تحت سلطه قدرت، تحریف و دستکاری در اطلاعات و دانش به واسطه اعمال نفوذ قدرت تغییر ماهیت ذاتی اطلاعات و دانش در اثر اعمال نفوذ قدرت در آنها و نیز سوگیری مدیریت دانش ناشی از وجود عوامل واسطه های قدرت در رأس مراکز اطلاع رسانی و سامانه های دانش نام برد. این عوامل به واسطه ماهیت قابل تغییر دانش و ماهیت سلطه جویانه قدرت دست به دست هم می دهند و با اعمال راهبردهایی مختلف در نهایت عامل انحراف و استعمار زیست جهان دانش می شوند که تبعاتی منفی بر شهروندان و کاربران دانش دارد.

جدول ۱: درج مفاهیم و شکل گیری مقولات از متن داده ها از کدگذاری باز عوامل شکل گیری

استعمار زیست جهان دانش

نمونه، جملات (شماره مصاحبه شونده)	مفهوم سازی	مقوله ها	ویژگی ها
چون اطلاعات عمدتاً در دست قدرت و حکومت است، دولت و حکومت هم اطلاعات را طبق خوشایند خودش دستکاری و کم و زیاد می کند تا بتواند داوم و قوامش را بیشتر کند. (م. ۱۷)	-وابستگی اطلاعات و دانش به قدرت -دستکاری اطلاعات به واسطه قدرت -اطلاعات و دانش تحریف شده، عامل دوام قدرست	تأثیر پذیری دانش و اطلاعات از مراکز قدرت و حکومت	تأثیر

پذیری از کانون های قدرت	دور شدن اطلاعات دانش از مسیر اصلی با تحریف آن در اشکال مختلف	قدرت و حکومت و سیاستمداران دولتمردان با دستکاری، جعل، سانسور، حذف و تخریب و برجسته سازی برخی اقلام اطلاعاتی، اطلاعات را از مسیر خود دور می کند. (م. ۱۳)
قدرت و حکومت، عامل تغییرزیست جهان دانش	تحریف اطلاعات، عامل دانش سوگرفته	وقتی اطلاعات تخریب شد، دانش حاصل از آن هم سو گرفته و ناقص است؛ چه دانش عینی باشد چه دانش ضمنی باشد (م. ۱۱)
دانش تحریف شده تابع مدیریت دانش سو گرفته	مدیریت بر دانش تحریف شده عامل استثمار زیست جهان دانش	وقتی دانش و اطلاعات تحت استثمار قدرت باشد مدیریت آن هم غرض مند است منظوم آن است که مدیریت دانش سو گرفته ناشی از دانش دستکاری شده است. (م. ۲۰)



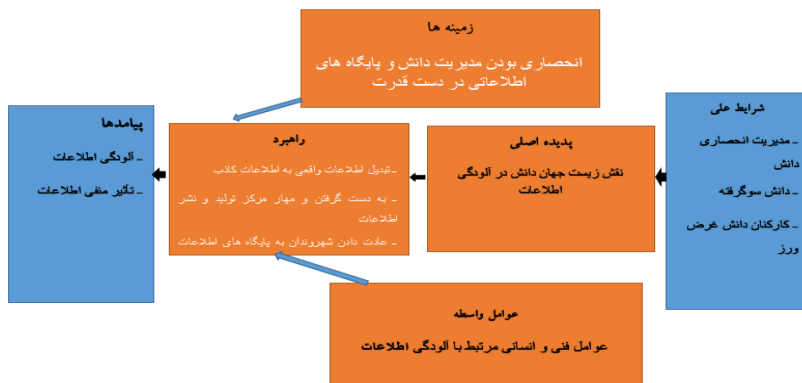
نمودار ۲: کدگذاری محوری عوامل شکل گیری استثمار زیست جهان دانش

به سؤالی در باب چگونگی شکل گیری استثمار زیست جهان دانش، طبق اطلاعات مندرج در نمودار ۲، عوامل مختلفی در حکم شکل دهنده‌های این نوع زیست جهان مطرح شد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تداوم قدرت و حاکم شدن بیش از پیش قدرت به واسطه ی تغییر در اطلاعات و دانش، تأثیرپذیری اطلاعات و دانش از قدرت به سبب انعطاف پذیری اطلاعات و دانش و تجمیع اطلاعات و دانش در مراکز اطلاع رسانی و مدیریتی تحت سلطه قدرت، تحریف و دستکاری در اطلاعات و دانش به واسطه ی اعمال نفوذ قدرت تغییر ماهیت ذاتی اطلاعات و دانش در اثر اعمال نفوذ قدرت در آنها و نیز سوگیری مدیریت دانش ناشی از وجود عوامل واسطه های قدرت در رأس مراکز اطلاع‌رسانی و سامانه های دانش نام برد. این عوامل به واسطهٔ ماهیت قابل تغییر دانش و ماهیت سلطه جوینانه قدرت دست به دست هم می دهند و با اعمال

راهبردهایی مختلف در نهایت عامل انحراف و استثمار زیست جهان دانش می‌شوند که تبعاتی منفی بر شهروندان و کاربران دانش دارد.

نقش استثمار زیست جهان دانش در آلودگی اطلاعات

در پاسخ به سؤال آخر در باب نقش استثمار زیست جهان دانش در آلودگی اطلاعات و نقص در توسعه فرهنگی، و بر اساس مندرجات شکل ۳ این نتیجه حاصل شد که استثمار زیست جهان دانش باعث آلودگی اطلاعات می‌شود. عوامل آلودگی اطلاعات به واسطه ی قدرت در کنار عوامل طبیعی آلوده‌کننده‌ی آن که بیشتر زائیده ی عصر اطلاعات کنونی است، در مصاحبه‌ها بسیار مورد تأیید مشارکت‌کنندگان بود. تبدیل‌شدن اطلاعات حقیقی به شبه‌اطلاعات که داده‌های خاصی از آن به نفع قدرت و ارزش‌های حاکمیت تحریف شده است، در نهایت در بطن استثمار زیست جهان دانش وجود دارد و همین اطلاعات آلوده عامل خسران‌های بعدی، مانند وجود شهروندان متوهم به دانایی و مراکز اطلاع‌رسانی مرجع غیرموثق است.

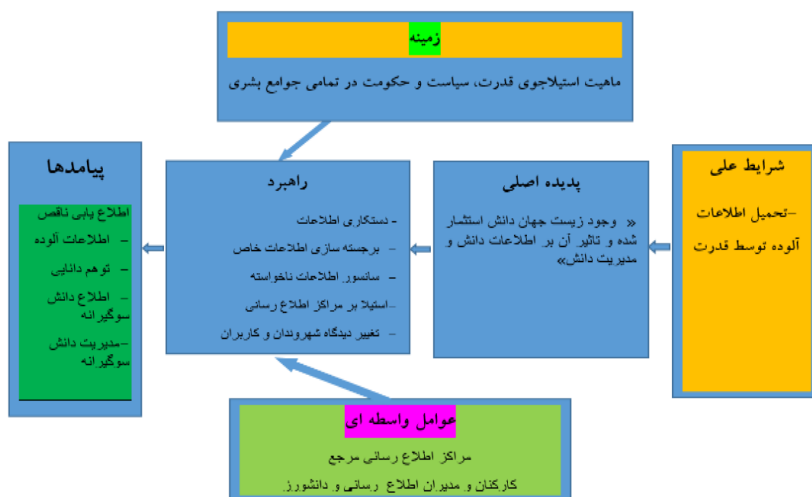


نمودار ۳: کدگذاری محوری مربوط به نقش استثمار زیست جهان دانش در آلودگی اطلاعات

کدگذاری نهایی: شکل‌گیری نظری

باکدگذاری نهایی و دقت نظر در تمامی مقوله‌ها و مفاهیم حاصل، نظریه‌ی زمینه‌ای دال بر وجود استثمار زیست‌جهان دانش به واسطه‌ی قدرت و تأثیر بلامنازع آن بر فرآیندهای مربوط به مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش و توسعه فرهنگی شکل گرفت (نمودار ۴). براین اساس

استثمار زیست جهان دانش براعمال نفوذ و نظر قدرت، واقعیت انکارناپذیری دارد و همین استثمار عامل تغییر ماهیت اطلاعات و دانش به واسطه‌ی مدیریت دانش سوگیرانه و متعاقب آن توسعه فرهنگی نامتوازن است.



نمودار ۴: کدگذاری محوری و نهایی پدیده‌ی اصلی «وجود زیست جهان دانش استثمارشده و تأثیر آن بر دانش»

نقش قدرت در توهم دانایی

توهم دانایی یک نوع هذیان دانشی است که فرد به علت دریافت اطلاعات تحریف شده؛ به اعتماد نفس کاذب می‌رسد؛ قدرت توتالیت‌تر می‌تواند شهروندان متوهم دانشی را بازتولید کند، مطابق با تعریف علوم اجتماعی؛ قدرت توانایی است که فرد یا گروه برای پیشبرد اهداف و حصول به منافع خود، از طریق اعمال زور و یا نفوذ نرم و سخت و واداشتن دیگران به انجام کارهای عمدتاً خلاف میل آنها دارد یا کارهایی از این دست که دیگران با اقتناع و فریب کاری و ترفندهای قدرت راضی به انجام آنها شده‌اند. (قاسمی، ۱۳۹۱).

البته عادت دادن شهروندان به اموری ویژه و در مقابل، تهدید آنان برای منع از انجام اقداماتی خاص از راهبردهای اعمال قدرت، به ویژه در جهان سیاست است. (قاسمی، ۱۳۹۱)؛ مهندسی اعمال قدرت مبتنی بر وعده و وعید و در غیر اینصورت، تهدید و مجازات است؛ البته نگاهی به

تفاوت قدرت یک جانبه و رابطه ای هم در بحث حاضر اهمیت دارد؛ از نظر آوکشات^۱ «دانش ترکیب اطلاعات و قضاوت است» (هیل، ۱۳۸۱: ۳۱) و قدرت این قابلیت را دارد که هم اطلاعات را مخدوش و تحریف کند و هم قضاوت شهروندان را تغییر دهد.

در قدرت یک جانبه هدف اعمال قدرت مستبدانه و یک سویه بر مردم و کنترل آنهاست و قدرت مسلط در پی حاکمیت بی چون و چرا، با اعمال زور و کنترل افراد است؛ در صورتی که در قدرت رابطه ای نوعی مشارکت حاکم است و طرفهای دخیل از قدرت هم برای تقویت خود و تصمیم گیری بهتر و نفع مشترک استفاده می کنند. (هندی؛ ۱۹۹۳) چنین نوع قدرتی در پی اشتراک سعی و تصمیم دانش برای گسترش و ثبت منافع متقابل است و کمتر در برابر دانش واقعی و اطلاعات اصیل موضع می گیرد.

امروزه با جهانی شدن اطلاعات، مسئله اطلاعات برای همه مردم یا دموکراتیزه شدن اطلاعات شکل گرفته است که این خود زمینه و بستر مناسبی برای شکل گیری سونامی اطلاعات گردید. پیامد سونامی اطلاعات هم کاهش مهارت تحلیل اطلاعات در بین شهروندان شد. چون سونامی اطلاعات موجب می شود، انسانها کمتر فرصت تفکر، تجزیه و تحلیل اطلاعات داشته باشند، برای رفع نیاز اطلاعاتی ناچار می شوند به پذیرش مقلدانه اطلاعات از مراکز و مراجع اطلاعاتی معمول و شناخته شده روی آورند، این وضعیت، بستری مناسبی است تا مقوله قدرت مراکز و مراجع اطلاعاتی را مورد استثمار زیست جهان قرار دهد. از این رو، مقوله قدرت با بهره گیری از رسانه ها، تبلیغات و اسطوره سازی اطلاعات (الگوسازی) به فرهنگ سازی اقدام می نماید.

در واقع، تلاش قدرت ارائه اطلاعات جانبدارانه و سوگیرانه برای شهروندانی است که تمایل به پذیرش مقلدانه اطلاعات دارند. تکرار پذیرش مقلدانه اطلاعات و کاهش مهارت تحلیل اطلاعات موجب می گردد، آگاهی شهروندان در حد یک تصور آگاهی و یا نوعی توهم دانایی تنزل یابد. با توجه به نظریه استثمار زیست جهان؛ هابرماس، نظام اجتماعی (قدرت و ثروت) در کنش با جهان زیست دانش قادر است گاه هویت و معنا را از جهان زیست دانش بستاند و دانش رابه سلطه قدرت و ثروت درآورد. این استثمار زیست جهان دانش توسط قدرت از مراحل تولید اطلاعات، ارزش یابی، اشاعه اطلاعات و نیاز اطلاعاتی شهروندان را شامل می شود تا آنجاکه فرایند اطلاع-یابی را از ماهیت اصلی خود که همانا کسب معرفت و آگاهی راستین است؛ خارج ساخته و به سوی توهم دانایی همگانی و عیان شدن پدیده نادانی جمعی از نوع نادانی سازمان یافته هدایت

^۱ Oakeshott, M

کند. پذیرش نادانی سازمان‌یافته در واقع تأییدی بر نقش قدرت به سبب روحیه استثمار زیست جهان دانش برآمده از مدیریت سوگیرانه دانش است.

بحث و نتیجه‌گیری

با تبیین نقش قدرت بر جریان آزاد اطلاعات و استثمار زیست‌جهان دانش، می‌توان ضمن شناسایی آسیب‌های این استثمار و نقش تغییر ماهیت وجودی مراکز اطلاع‌رسانی را برای فعالان و شاغلان حوزه اطلاع‌رسانی واکاوی نمود و به تبع آن در پی صیانت از سلامت اطلاعات (درستی و اعتبار) برآمد که این امر هم با تاسیس نهادهای مدنی بین‌المللی غیردولتی در آینده می‌تواند عملی گردد؛ نهادهای که عالمانه و با رویکردافشاگرانه در پی حذف بهانه‌های غیر واقعی حکومتها برای سانسور تلاش کنند، طبیعی است تضاد منافع صاحبان قدرت مراکز تولید و نشر علم همواره سد راهی برای شکل‌گیری این نهادها حتی در آینده خواهد بود؛ تبیین استثمار دانش و پذیرش امکان سوگیری در مدیریت کلان دانش حداقل این فایده را دارد که تصویر اتوپیایی و معصومانه اطلاع‌رسانی را از کتابداری مخدوش سازد تصویری که کارکنان کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی را مبدل به اشاعه‌دهنده دانش و علم سفارشی خوشایند دولتها کرده است. با تحقیقی در منابع کتابخانه‌های عمومی کشورهای با نظام توتالیتر و حضور پررنگ سانسور در آن می‌توان دریافت کارکنان این مراکز بجای آنکه حافظ و اشاعه‌دهنده دانش راستین باشند در حکم یک خادم صاحبان قدرت عمل کرده‌اند و بجای نشر آگاهی به ایجاد توهم دانایی کمک می‌کنند، وقتی استثمار مطرح می‌شود رابطه سلطه‌پذیر و سلطه‌گر و هم‌تغییر اصالت و ماهیت و هم‌قربانی شدن تداعی می‌گردد، از این رو با تلاش همه‌جانبه برای تقویت جریان آزاد اطلاعات می‌توان از مراکز اطلاع‌رسانی و رسانه‌های جمعی انتظار داشت در امر اشاعه اطلاعات درست و معتبر گام بردارند و با کاهش آلودگی اطلاعات و کاهش سانسور در پی کاهش مدیریت پنهان قدرت در کلان دانش بود تا در نهایت از میزان توهم دانایی عمومی (نادانی سازمان‌یافته) تبلیغ شده صاحبان قدرتهای تمامیت خواه کاست.

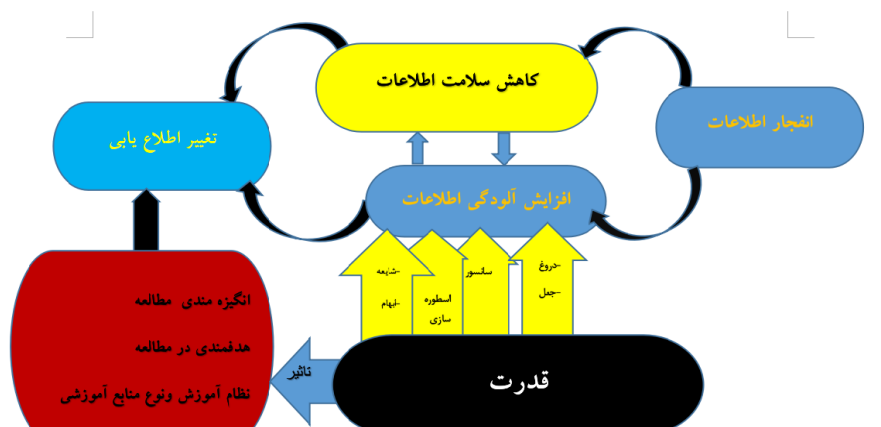
بنیان اولیه کتابخانه‌ها (سیاستمداران، شاهزادگان و مبلغین دینی) و صاحبان بیشتر رسانه‌های جمعی امروز، از طبقه صاحبان قدرت می‌باشند و این خود نشانه‌ایست که صاحبان قدرت از دیرباز تاکنون نسبت به گردش اطلاعات و اشاعه دانش توجه داشته‌اند، شواهد تاریخی بسیاری را می‌توان برشمرد که حکایتگر نقش مخرب این صاحبان قدرت بر فرایند جریان آزاد اطلاعات

و هم داستانی آنان با استثمار زیست جهان دانش باشد، مقوله قدرت از آنجاییکه اطلاعات را منبعی برای انتخاب و تصمیم‌گیری شهروندان می‌داند؛ در خصوص اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات بی‌نظر و بی‌طرف نمی‌شود؛ تاملی بر حقایق تاریخی مانند: رمزنگاری، جنگ اطلاعات، زنجیر بستن کتاب، کتاب سوزی، کتابخانه سوزی و ممیزی (سانسور) مصادیقی بر تمایل قدرت به مخدوش سازی جریان آزاد اطلاعات است.

از این‌رو می‌توان بیان داشت با تبیین نقش قدرت بر جریان آزاد اطلاعات و استثمار زیست جهان دانش، می‌توان در پی صیانت از سلامت اطلاعات (درستی و اعتبار) برآمد و با تقویت جریان آزاد اطلاعات به شکل واقعی می‌توان از مراکز اطلاع رسانی و رسانه‌های جمعی انتظار داشت در امر اشاعه اطلاعات درست و معتبر گام بردارند و در پی ایجاد مدیریت دانش غیر سوگیرانه باشند. قدرت از آنجایی‌که از دانش و مراکز انباشت دانش استفاده ابزاری می‌کند با تحریف دانش و وجود مدیران منعطف به قدرت در مراکز اطلاع رسانی در پی مدیریت کلان دانش است، از سویی با دستکاری اطلاعات، آلودگی اطلاعات، سونامی اطلاعات، انفجار اطلاعات و نیز دسترسی همگانی به پایگاه‌های بازیابی اطلاعات مسیره‌دهی شده‌ی قدرت باعث جستجو و بازیابی اطلاعات از مسیرهای مشخص و سوگرفته می‌شود. وجود اطلاعات تحریف شده در کنار مسیرهای هدایت شده‌ی ویژه از سوی قدرت برای دسترسی به اطلاعات، فرآیند اطلاع‌یابی را مختل می‌کند. این اختلال در فرآیند بازیابی اطلاعات خود منجر به شکل‌گیری عواملی ناخواسته چون ظهور کاربران متوهم به دانایی و نیز بازداشتن آنان از جستجوی اطلاعات واقعی از مسیرهای دیگر می‌گردد، در واقع مسیرهایی اطلاع دهی که می‌بایست در خدمت رفع توهم آگاهی باشند به ابزاری برای تقویت توهم دانایی و استثمار زیست جهان دانش و هدایت‌دهنده کاربران به سمت اطلاعات غیر واقعی و دانش سوگرفته می‌گردند.

از آنجاییکه اطلاع‌یابی اگر بازتاب نیاز واقعی و برآمده از منابع معتبر و درست باشد، اطلاع‌یابی مطلوب است؛ آنچه که اطلاع‌یابی را از مسیر خود خارج می‌کند؛ نقش قدرت توتالیتر در استثمار دانش است، برای اینکه در مسیر افزایش سلامت اطلاعات و اطلاع‌یابی راستین قرار گیریم چاره‌ای نداریم به اجماع جهانی برسیم که در گام اول با ایجاد یک نظام حقوقی بین‌المللی «اشاعه اطلاعات پاک برای شهروندان جهانی» به امر حمایت از نویسندگان، پژوهشگران و مراکز اطلاع رسانی مستقل بپردازیم و در گام بعدی با تاسیس نهادهای بین‌المللی مدنی عمومی فارغ از دخالت‌های آشکار و پنهان سیاست، مذهب و قدرت در پی اشاعه اطلاعات درست

و معتبر باشیم و در گام آخر با ایجاد مراکز ردیابی بین المللی اطلاعات آلوده تاریخی به اشاعه درست و معتبر همت گماشت و در صورت فقدان اطلاعات موثق و معتبر باید این مراکز بدون جانبداری و قضاوت همه اطلاعات متناقض را جهت رویت و داوری شهروندان ارائه دهند.



نمودار ۵: رابطه نامرئی بین قدرت، سلامت اطلاعات و اطلاع یابی (منبع: نگارنده)

جمع بندی

مدیریت دانش در سطح کلان را نمی توان فارغ از شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دانست. ذات قدرت کسب منافع و کنترل است؛ از این رو، نمی توان مطمئن بود مدیریت دانش ماحصل قدرت از سوگیری مبرا باشد و نمی توان فرآیند اطلاع رسانی و مدیریت دانش را بدون جهت گیری در نظر داشت. مسئله اساسی تحقیق موضع مدیریت کلان دانش در جامعه و بررسی احتمال وجود مدیریتی دانشی که ممکن است توسط مقوله قدرت در کلیه ارکان و سازمان های جامعه به شکل محسوس و نامحسوس و به شیوه مستقیم و غیرمستقیم دنبال شود؛ تا جایی که احتمالاً بتواند موجب تغییر درونمایه و ماهیت مراکز اطلاع رسانی و کانون های مدیریت دانش شود. این عوامل به واسطه ماهیت قابل تغییر دانش و ماهیت سلطه جویانه قدرت، دست به دست هم می دهند و با اعمال راهبردهایی مختلف در نهایت عامل انحراف و استثمار زیست جهان دانش می شوند که تبعاتی منفی بر شهروندان و کاربران دانش دارد.

مقوله قدرت با بهره‌گیری از رسانه‌ها، تبلیغات و اسطوره‌سازی اطلاعات (الگوسازی) به فرهنگ-سازی اقدام می‌نماید. در واقع، تلاش قدرت ارائه اطلاعات جانبدارانه و سوگیرانه برای شهروندانی است که تمایل به پذیرش مقلدانه اطلاعات دارند. تکرار پذیرش مقلدانه اطلاعات و کاهش مهارت تحلیل اطلاعات موجب توهم دانایی می‌گردد.

از آنجایی که آدمی، قابلیت ذاتی تغییرپذیری و تساهل دارد و از طرفی، اطلاعات و دانش دارای ذاتی انعطاف‌پذیر است. قدرت و حاکمیت از این دو نقطه ضعف برای استیلا بیشتر خود بهره می‌جوید و همین امر عامل تغییر کارکرد زیست‌جهان دانش و موجب سوگیری در مدیریت دانش و مراکز اطلاع‌رسانی می‌شود. نقش مراکز اطلاع‌رسانی صرفاً ذخیره، بازیابی و اشاعه اطلاعات موجود و در دسترس نیست؛ بلکه متولیان این مرکز باید مقدم بر این‌ها، اصالت و درستی و اعتبار اطلاعات و دانش را مد نظر قرار دهند تا دانش سالم و اطلاعات معتبر به دست شهروندان برسد و همین دانش درست، مایه قوام و دوام علم خودآگاه در آنان باشد. زمان آن فرا رسیده است بر قیومیت قدرت بر دانش و مرکز اطلاع‌رسانی پایان دهیم. عصر امروزین اطلاعات در سایه آلودگی و انفجار اطلاعات توانایی تحلیل انتقادی شهروندان را بسیار کم کرده است. برای جبران این نقایص باید در مراکز اطلاع‌رسانی افراد متعهد به دانش درست و اطلاعات معتبر دست به ذخیره و اشاعه اطلاعات بزنند و از این طریق، اطلاعات و دانش درست، مبنای تصمیم‌گیری درست گردد و سعادت شهروندان موجب گردد.

رابطه سلطه‌گر و سلطه پذیر قدرت-دانش موجب تحریف و سوگیری اطلاعات و دانش و به تبع آن تغییر ماهیت و مخدوش ساختن مراکز پژوهشی و تولید علم می‌شود؛ این رابطه تخریبی قدرت-دانش پایه و اساس استثمار زیست‌جهان دانش و نیز باعث تثبیت و دوام و تسهیل قدرت می‌گردد؛ استثمار زیست‌جهان دانش؛ صرف نظر از ریشه‌های تاریخی، مذهبی و سیاسی خود، موجب شکل‌گیری مدیریت سوگیرانه دانش، تصمیم‌گیری غلط شهروندان جامع اطلاعاتی و بستر سازی توهم دانایی میان شهروندان می‌شود.

در قرن حاضر با وجود انفجار اطلاعات (سونامی اطلاعات) زمینه برای افزایش آلودگی اطلاعات توسط قدرت‌ها و به تبع آن استثمار زیست‌جهان دانش بیش از پیش میسور است و با وجود سانسور هوشمندانه، قدرت‌ها می‌توانند مدیریت دانش سوگیرانه انجام دهند و اطلاعات و دانشی را اشاعه دهند که ابزار آنان برای اعمال ارزش‌های مدنظر خود باشد.

نتایج پژوهش نشانگر آن است: عوامل مختلفی در استثمار زیست جهان دانش و خلق مدیریت سوگیرانه آن دخیلند که از جمله آنها عبارتند از:

۱. نقش قدرت خودکامه در کاهش سلامت اطلاعات و افزایش آلودگی اطلاعات؛
 ۲. نقش سانسور (ممیزی اطلاعات) در تداوم قدرت خودکامه به‌واسطه تغییر در اطلاعات و دانش؛
 ۳. تأثیرپذیری اطلاعات و دانش از قدرت خودکامه به سبب انعطاف‌پذیری اطلاعات و دانش؛
 ۴. تجمیع اطلاعات و دانش در مراکز اطلاع‌رسانی که مدیریت‌شان متأثر از قدرت است؛
 ۵. اعمال نفوذ قدرت در جریان آزاد اطلاعات با اعمال تحریف و دستکاری در اطلاعات و دانش؛
 ۶. تغییر ماهیت ذاتی اطلاعات و دانش بر اثر اعمال نفوذ قدرت و به تبع آن سوگیری مدیریت دانش؛
 ۷. سوگیری مدیریت دانش به‌سبب عوامل واسطه‌ای قدرت و در رأس آن مراکز اطلاع‌رسانی و سامانه‌های دانش؛
- با بررسی علل، راهبرد ها و پیامد های شکل‌گیری استثمارزیست جهان دانش فرضیه های مختلفی شکل می‌گیرد.
- برخی از این فرضیه ها در اینجا مطرح شده اند که می‌توان این فرضیه ها را در قالب روشهای مختلف تحقیق آزمود:

- * استثمار زیست جهان دانش بر اثر دخالت قدرت رخ می‌دهد
- * قدرت عامل مدیریت سوگیرانه دانش و به تبع آن، استثمار زیست جهان دانش است.
- * استثمار زیست جهان دانش عامل ایجاد توهم دانایی میان شهروندان است.
- * قدرت از روشهای مختلفی برای «استثمار زیست جهان دانش» استفاده می‌کند.
- * یکی از علل مهم آلودگی اطلاعات، «استثمار زیست جهان دانش» است.
- * یکی از علل مهم ایجاد توهم دانایی، بازایی اطلاعات از مراکز اطلاع‌رسانی مرجع است.
- * استثمار زیست جهان دانش ریشه‌های تاریخی، مذهبی و سیاسی دارد.
- * عوامل اطلاع‌رسانی هم در مدیریت دانش سوگیرانه نقش دارند.
- * نقش سانسور (ممیزی اطلاعات) در تداوم قدرت توتالیتر به‌واسطه تغییر در اطلاعات و دانش.
- * تأثیرپذیری اطلاعات و دانش از قدرت توتالیتر به سبب انعطاف‌پذیری اطلاعات و دانش.
- * تجمیع اطلاعات و دانش در مراکز اطلاع‌رسانی که مدیریت‌شان متأثر از قدرت.

* اعمال نفوذ قدرت در جریان آزاد اطلاعات با اعمال تحریف و دستکاری در اطلاعات و دانش.
* تغییر ماهیت ذاتی اطلاعات و دانش بر اثر اعمال نفوذ قدرت و به تبع آن سوگیری مدیریت دانش.

* سوگیری مدیریت دانش به سبب عوامل واسطه‌ای قدرت در رأس مراکز اطلاع‌رسانی و سامانه های دانش

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

۱. بررسی تأثیر سیاست و سیاست‌ورزی بر دنیای علم و دانش‌اندوزی؛
۲. بررسی تأثیر مدیریت دانش سوگیرانه بر استعمار زیست جهان دانش در قالب تحقیقات کیفی؛
۳. بررسی عوامل ایجاد زیست‌جهان دانش سوگیرانه توسط عواملی غیر از قدرت؛
۴. بررسی نقش طبقه‌بندی علوم و نظام ارزشیابی عمومی علم در استعمار زیست‌جهان دانش؛
۵. بررسی مصادیق سانسورهای هوشمندانه ناشی از عصر اطلاعات و ارتباطات.

پیشنهادهای اجرایی

۱. ایجاد نظام حقوقی بین‌المللی برای اشاعه اطلاعات برای شهروندان جهانی جهت حمایت از نویسندگان و پژوهشگران و مراکز اطلاع‌رسانی دنیا.
۲. ایجاد مراکز ردیابی بین‌المللی اطلاعات آلوده تاریخی و در صورت فقدان اطلاعات موثق و معتبر قراردادن همه اسناد و مدارک در معرض دید.
۳. تربیت متخصصان اطلاع‌رسان متعهد به بازیابی و اشاعه اطلاعات درست و معتبر.
۴. تغییر برنامه درسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی در راستای شناخت جریان‌های استعمار کننده مراکز اطلاع‌رسانی.
۵. برای کاهش نقش قدرت در جهت افزایش سلامت اطلاعات و اطلاع‌یابی راستین: نهادهای بین‌المللی مردمی فارغ از سیاست و مذهب و قدرت تشکیل شوند که در آینده عهده‌دار اشاعه اطلاعات درست و معتبر باشند.
۶. ایجاد نظام اطلاع‌رسانی نوین در جهت کاهش انحصارگری دانش توسط کشورهای توسعه یافته.

منابع

فارسی

- آل‌پورت، گردن و پستمن، لئو؛ (۱۳۷۴)، روان‌شناسی شایعه، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
- باقری، لایلا، (۱۳۹۳)، *ممیزی کتاب سیاست‌ها و راهکارها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- براتی علویجه، حسینعلی، (۱۳۸۳)، روانشناسی مطالعه، اصفهان: انتشارات پیام علوی
- بشریه، حسین، (۱۳۷۶)، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*، تهران: نشر نی.
- بهزادی، حسن، (۱۳۹۱)، «تأملی بر نقش باورهای معرفت‌شناختی در بازیابی اطلاعات»، *فصلنامه نظام‌ها و خدمات اطلاعاتی*، شماره ۲، ص ۵۹-۷۰.
- بیانی، فرهاد؛ گلابی، فاطمه؛ علی‌پور، پروین (۱۳۹۴)، *زیست جهان و نظام؟ بررسی تلفیق در اندیشه یورگن هابرماس*. فصلنامه راهبرد، شماره ۷۷
- پیوزی، مایکل، (۱۳۸۴)، *یورگن هابرماس*، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر هرمس.
- تافلر، آلوین (۱۳۷۰)، *تغییر ماهیت قدرت: دانش و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم*، ترجمه شاهرخ بهار و حسن نورانی بیدخت، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- جلالی دیزجی، علی، (۱۳۹۴)، «نقدی بر نظریه انتقادی اطلاعات؛ رویکرد دیالکتیکی در بومی‌سازی دانش»، *فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات*، سال دوم، شماره ۶، ص ۱۶-۵.
- سنقلی‌پور، حکیمه؛ قلی‌پور، آرین؛ محمدی قاضی محله، مهدی و روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۹). «الزامات، ضرورت‌ها و مکانیزم‌های تجاری‌سازی دانش در دانشکده‌های مدیریت»، *مدیریت بازرگانی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران*، ص ۴۱-۶۰.

- القی، احمد، (۱۳۸۲)، قدرت، زبان، زندگی روزمره درگفتمان فلسفی - سیاسی معاصر - ۲، تهران: گام نو
- داورپناه، محمدرضا، (۱۳۹۱)، *اطلاعات و جامعه*، انتشارات دبیزش.
- رضایی نور، جلال، شاه حسینی، محمدعلی و خسروی، سروش، (۱۳۹۳)، «ارائه مدل مفهومی براساس عوامل مؤثر بر پیاده سازی سیستم مدیریت دانش در گروه شرکت های همکاران سیستم»، *فصلنامه مدیریت توسعه فناوری*، ص ۷۹-۱۰۴.
- سوری، فاطمه، (۱۳۹۲)، «تحلیل و بررسی نظریه کنش ارتباطی هابرماس و دلالت های آن در تعلیم و تربیت»، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- سیوشی، لیلا، (۱۳۹۲)، «نسبت علم و زیست جهان در پدیده شناسی هوسرل»، پایان نامه دکتری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما دکتر عبدالکریم رشیدیان، استاد مشاور دکتر احمد علی اکبر مسگری.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- فوکو، میشل، (۱۳۹۵)، *دانش و قدرت*، محمد ضمیران، تهران: هرمس.
- فیرحی، داود، (۱۳۹۴)، *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام (دوره میانه)*، تهران: نشرنی.
- کالینیکوس، آلكس، (۱۳۸۳)، *درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی*، ترجمه اکبر معصوم بیگی، تهران، آگه.
- کیویستو، پیتر، (۱۳۸۵)، *اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، *جامعه شناسی آنتونی گیدنز*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- متقی نیک، محمدحسین، قاسمی پویا، اقبال و سرمدی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، «نقش خردگرایی در رشد عناصر تربیتی عصر طلایی اسلام»، پایان نامه، تهران: دانشگاه پیام نور.
- محمدپور، احمد، (۱۳۸۹)، *روش تحقیق معاصر در علوم انسانی*، تهران: ققنوس
- محمودی اصل، عباس، (۱۳۹۲)، *جامعه شناسی میشل فوکو*، تهران: گل آذین.
- نوذری، حسینعلی، (۱۳۸۱)، *بازخوانی هابرماس*، تهران، نشر چشمه.

- وروزی؛ علیرضا، (۱۳۸۱)، «آلودگی اطلاعات»، فصلنامه علمی- پژوهشی اطلاع رسانی، دوره ۱۵ شماره ۱ و ۲
- هالوب، رابرت (۱۳۹۳)، *یورگن هابرماس نقد در حوزه عمومی*، ترجمه حسین بشریه، تهران: نشر نی
- هیل، مایکل، (۱۳۸۱)، تأثیر اطلاعات بر جامعه: بررسی ماهیت، ارزش و کاربرد اطلاعات، ترجمه محسن کاریزی، انتشارات چاپار، چاپ دوم.

انگلیسی

- Ardel, M. (۲۰۰۰). Intellectual versus wisdom-related knowledge: the case for a different kind of learning in the later years of life. *Educational Gerontology*, ۲۶: ۷۷۱-۷۸۹.
- Brown, S. C. (۲۰۰۲). A Model for Wisdom Development-And Its Place in Career Services. Director of the career development center and adjunct lecturer in the department of psychology and education at Mount Holyoke College.
- Burns, N, & Grove S. (۲۰۰۵). Practice of nursing research conduct, critique and utilization. (۵th ed.). Philadelphia: saunders Co.
- Chamberlain, K. (۱۹۹۵). What is Grounded Theory? Qualitative Research for the Human Sciences. In <http://Kerlins.Net/Bobbi/Research/Qualresearch/Bibliography/Gt.Html>
- Creswell, J. W. (۲۰۰۵). Educational research: Planning, conducting and evaluating quantitative and qualitative research, ۲nd ed. Upper Saddle River, NJ: Pearson Education.
- Densin, N, & Lincoln, Y. (۲۰۰۳). Collecting and interpreting qualitative materials. (۲nd ed.). Thousands Oaks. CA: sage.

- Eagan, M.T. (۲۰۰۷). Grounded theory research and theory building. *Advances in Developing Human Resources*; ۳: ۲۷۷-۲۹۵.
- Eaves, Y.D. (۲۰۰۱). Asynthesis technique for grounded theory data analysis. *Journal of Advanced Nursing Research*; ۳۵: ۶۵۴-۶۶۳.
- Graneheim, UH, Lundman, B.(۲۰۰۴). Qualitative content analysis.in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse Educ Today*; ۲۴(۲).pp:۱۰۵-۱۲۰.